

موانع توسعه در ایران

گفت و گو با محمد حسین رفیعی

تعریف شما از توسعه چیست؟

توسعه فرایندی است دائمی، خلاق، نظام مند، پایدار، هماهنگ، متعالی و جامع (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، دینی، مذهبی، تکنولوژیک، علمی و...) که بر پایه یک جهان بینی و با توجه به شرایط درونی هر ملت - درونزا - تمامی امکانات جامعه (طبیعی، فیزیکی، انسانی، فرهنگی، تاریخی و...) را با محوریت انسان (حقوق و مشارکت) و به منظور بهروزی و توانمندسازی او (مستقل از جنس، عقیده، قومیت و...)، با تقید به حفظ و ارتقای محیط زیست و در تعامل مثبت و خلاق با جهان؛ از قوه به فعل درمی آورد.

عناصر موجود در این تعریف، به منظور شفاف شدن بحث، باید تعریف شوند:

۱- انسان، تنها موجود مختار و شعور دار کره زمین است. با ختم پیامبران، سرنوشت انسان به خودش واگذار شده تا با اختیار و شعور خویش، آینده خود را تعالی بخشد. کرامت انسان در ذات خودش هست و نه در اعتقاد و طرز فکر او. موضوع کره زمین، انسان و تکامل و تعالی اوست. به تعبیر آیت الله طالقانی «توحید متافیزیکی باید به توحید فیزیکی تبدیل شود» (۱)

۲- فرایند توسعه طولانی است به این مفهوم که این فرایند باید دائمی و توقف ناپذیر باشد. نمی توان برای توسعه، زمان تعیین کرد، زیرا جهان، انسان و مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیک و... دائماً در حال تکامل و تعالی یا حداقل در حال تغییر هستند. توقف هر کشور از روند توسعه به معنای عقب ماندگی و در نهایت سقوط است. بعضی از کشورها مانند انگلیس ۲۰۰ سال است که در حال توسعه اند.



توسعه را تدوین، اجرا و نظارت کند. تشکیل «سازمان های برنامه» در کشورهای غرب و شرق کمونیست، هر چند تک بعدی، اشکال اولیه این دستگاه ها بودند که پس از جنگ جهانی دوم و زار تخانه قدر تمند MITI در توسعه ژاپن به شکل جامع تری این امر را به عهده گرفت. با این تعریف، نهاد قدر تمند همه جانبه ای باید شکل گیرد که قادر باشد یافته های نظری امر توسعه را با استفاده از تجربه بشری، علم اقتصاد، علم سیاست، علم محیط زیست، فرهنگ، مذهب، حقوق، تکنولوژی و... به اجرا در آورده و بر روند آن دائماً نظارت کند. مرحله بندی امر توسعه در هر کشوری باید توسط این دستگاه تعیین، اجرا و نظارت شود. شپایسدار، به این مفهوم است که فرایند توسعه باید به شکلی تدوین و اجرا شود که حفظ محیط زیست، شأن و منزلت انسان، فرهنگ، مذهب و اعتقادات مردم به تضاد و تقابل با آن نرسند. توسعه شگفت انگیز شوروی سابق در صنعت و تکنولوژی به دلیل همین تضادها با سقوط روبه رو شد و توسعه

۳- اخلاق، به این مفهوم است که توسعه در تمامی ابعاد خود باید همراه خلاقیت، نوآوری، نو جویی، استفاده بهینه از موهبت های الهی، انکشاف عوامل پنهان و آینده نگری باشد.

۴- نظام مند، به این مفهوم است که یک دستگاه قدر تمند، مدیر و مدبر باید ضوابط و چارچوب های

فرایند توسعه طولانی است به این مفهوم که این فرایند باید دائمی و توقف ناپذیر باشد. نمی توان برای توسعه، زمان تعیین کرد، زیرا جهان، انسان و مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیک و... دائماً در حال تکامل و تعالی یا حداقل در حال تغییر هستند

محیر العقول کنونی چین، اگر اصلاح نشود، بدون تردید با سقوط روبه‌رو خواهد شد. توسعه امریکا نیز با چالش‌های جدی روبه‌روست که حتی به پیش‌بینی گروهی از متفکران از جمله امانوئل تود (Emanuel Todd) فرانسوی، با خطر روبه‌روست.

جامعه، یک سیستم چندین وجهی است که در آن عوامل بسیار متعددی در حال کنش و واکنش هستند، پایداری این سیستم زمانی تضمین می‌شود که این کنش‌ها و واکنش‌ها بتوانند در فرایند یک امری، تعادل داشته باشند. تخریب مذهب، فرهنگ و اعتقادات یک جامعه بدون این که خود در روند توسعه قرار گیرند (مانند زمان رضاشاه و محمدرضاشاه) همچون تخریب جنگل‌ها، رودخانه‌ها و مسیل‌ها، مشکل‌زا بوده و فرایند توسعه را دچار چالش می‌کند. آنچه امروز در مورد لایه‌ها و ذوب یخ‌های قطبی در اشل کره زمین ایجاد خطر کرده است در هر مملکتی هم می‌تواند با استفاده غیربینه از عوامل مادی و معنوی یک جامعه ایجاد خطر کند.

همان‌گونه که رابطه دیالکتیکی و ارگانیک بین وجوه مختلف توسعه باید وجود داشته باشد و گرنه آن را شکننده و ناپایدار می‌کند. توسعه صنعتی شوروی سابق، همان‌طور که گفته شد شگفت‌انگیز بود و چون فاقد توسعه سیاسی بود، شکننده شد و با وجود این که ایجاد اشتغال، تأمین بهداشت و تأمین آموزش در شوروی مناسب بود، ولی فقدان توسعه سیاسی، فرهنگی، دموکراسی و... به فروپاشی شوروی انجامید. در ایران پس از ۱۳۴۵ با افزایش بهای نفت و بویژه پس از ۱۳۵۳ توزیع درآمد در جامعه انجام شد، ولی شرایط خفقان سیاسی و سرکوب‌گرانه نشان‌دهنده اعتنایی به فرهنگ و مذهب مردم، موجب سقوط رژیم شد. هم‌اکنون چین با رشد دورقمی تولید ناخالص ملی در ۳۰ سال گذشته، روبه‌رو بوده است، ولی عدم توسعه سیاسی و آزادی‌های مردم، حاکمیت این کشور را دچار چالش جدی خواهد کرد. برعکس در امریکا، آزادی‌های سیاسی و... وجود دارد، اما وجود ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر عاملی است که هشدار کارشناسان را به دنبال دارد.

در ۲۰ سال گذشته از سوی کارشناسان سازمان ملل عوامل جدیدی برای توسعه یک جامعه معرفی شده‌اند؛ عواملی چون سیالیت اداری، شفافیت اقتصادی، فقدان فساد مالی، اداری، استقلال قوه قضاییه و بی‌طرفی آن، مرگ و میر کودکان و زنان، حداقل سواد و... باعث شده‌اند که تعریف

تخریب مذهب، فرهنگ و اعتقادات یک جامعه بدون این که خود در روند توسعه قرار گیرند (مانند زمان رضاشاه و محمدرضاشاه) همچون تخریب جنگل‌ها، رودخانه‌ها و مسیل‌ها، مشکل‌زا بوده و فرایند توسعه را دچار چالش می‌کند

توسعه از آنچه در پس از جنگ جهانی دوم بود، تعمیق یابد. نمی‌توان پیشرفته‌ترین تکنولوژی ارتباطات و چرخش اطلاعات (اینترنت، تلفن، تلفن همراه، شبکه‌های تلویزیونی و...) را توسعه داد، ولی فضای سیاسی جامعه را بست و روزنامه‌ها را تعطیل و کتاب‌ها را سانسور کرد، چون ناپایداری جامعه تشدید می‌شود. نمی‌توان بر داشت متحجرانه از مذهب داشت، ولی پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها را به خدمت گرفت و...

۷. متعالی، فرایند توسعه باید در جهتی باشد که رفاه، آسایش، راحتی، دسترسی به کار، بهداشت، آموزش، اطلاعات، تشکیل خانواده و... را روز به روز برای انسان بهتر و سریع‌تر کند.

حس کارگران در کارخانجات، همچون چین، محروم کردن آنها از آسایش، آرامش، آزادی و همراه آنها افزایش تولید ناخالص ملی، امری متعالی نیست. رشد تولید سه‌درصدی سوئد و دانمارک که صنعت سبز دارند به مراتب متعالی‌تر از رشد تولید دورقمی چین که همراه با سرکوب و تضییع حقوق کارگران و آزادی آنهاست، می‌باشد. پرکردن خیابان‌های تهران با اتومبیل‌های سواری و تخریب روان و جسم مردم با ترافیک و انتشار ۸۰ نوع سم مهلک از آگرواز این خودروها، امری متعالی نیست. بردن تلفن، برق، آب لوله‌کشی و گاز به روستاها و همراه آنها آوارگی روستاییان در حاشیه شهرها برای تأمین قوت لایموت، امری متعالی نیست.

حتی در کشور پیشرفته‌ای چون امریکا به قول انسان فرهیخته‌ای چون «ایوان ایلیچ» در کتاب انرژی و عدالت (۱۹۰۷) یک امریکایی معمولی بیش از ۱۶۰۰ ساعت در سال در اتومبیل خود وقت صرف و ۱۰ هزار کیلومتر در سال مسافت را طی می‌کند، یعنی در حدود ساعتی شش کیلومتر را می‌پیماید. در کشورهایی که صنعت حمل و نقل

راه پیدا نکرده است، مردم این مسافت را در همین مدت از زمان طی می‌کنند. می‌بینیم که در کشوری ماشینی چون امریکا لزوماً ماشینی شدن امری متعالی نیست. در تهران هزاران میلیارد تومان صرف ساختن پل‌ها، تونل‌ها، بزرگراه‌ها و خودروها می‌شود تا حمل و نقل مردم انجام شود؛ با چه بهایی؟ تخریب محیط روستاها، تخریب سلامتی جسمی و روانی مردم، رشد حاشیه‌نشینی، گسترش فقر و توسعه نیافتگی روستاها و شهرهای کوچک‌گسترش و توسعه سرطانی تهران، امری متعالی نیست. ماشینی‌زدگی ما و حتی کشورهای پیشرفته، کار را به جایی رسانده که ایلیچ می‌گوید که سرعت مناسب برای بشر سرعت مکانیکی دو چرخه‌است.

۸. توسعه جامع، تأمدت‌های طولانی، توسعه تنها در چارچوب توسعه اقتصادی تعریف می‌شود. اگر چه سوسیالیسم دموکرات‌های غربی توسعه اقتصادی و سیاسی را با هم مطرح می‌کردند، ولی از حدود ۲۵ سال پیش سازمان ملل متحد و متفکران، مفهوم توسعه را به جامعیت توسعه اقتصادی، سیاسی، انسانی و به تازگی به فرهنگی و حقوقی هم تعمیم دادند. والگوری توسعه رسمی در قرن بیستم تجارب زیادی برای بشریت به جا گذاشت.

توسعه شوروی پس از انقلاب ۱۹۱۷ بر پایه عدالت، اشتغال، بهداشت و آموزش هدف گذاری شد و با تأسیس سازمان برنامه در آن کشور و با وجود ضربه‌های جنگ‌های اول و دوم جهانی، پیشرفت این کشور به جایی رسید که در ۱۹۶۰، جان اف. کندی رئیس جمهور معروف دموکرات امریکا در کتاب «استراتژی صلح» در مقایسه با امریکا و نقد آن از دستاوردهای شوروی سخن گفته است. پیشرفت شوروی به گونه‌ای بود که ۲۵۰ میلیون جمعیت این امپراتوری ۲/۵ میلیون پزشک داشته است، یعنی به ازای هر ۱۰۰ نفر یک پزشک، سرانه معلم به محصول در شوروی ۱۰۰ نفر بوده است.

این جامعه پیشرفته مادی به دلیل خفقان، انسداد سیاسی و کشتار میلیون‌ها نفر در اردوگاه‌های کار اجباری و زندان‌ها از ۱۹۶۰ نزول پیدا کرد و در نهایت به صورت یک جامعه مفلوک و با وجود پیشرفته‌ترین سلاح‌های نظامی، از جمله هسته‌ای و هیدروژنی، در ۱۹۹۱ سقوط کرد و بحران‌های مخفی شده ۷۰ ساله به شکلی بروز کرد که تاکنون در جهان سابقه نداشت. بروز گروه‌های مافیایی، قهر، فحشا، مهاجرت متخصصان و در نتیجه عقب‌گرد و از دست رفتن دستاوردهای یادشده،

پیش آمد. این تجربه نشان داد که انسان موجودی چندبعدی است و به دلیل شعور و اختیار نمی توان او را تنها در نیازهای مادیش محصور کرد. آزادی (احزاب، بیان، مذهب و...) نیاز اوست. در مقابل، سرمایه داری نئولیبرالیسم و یا آنچه مشخصاً به تاجر یسم و ریگان یسم معروف شد و پس از ۱۹۸۰ در انگلیس و آمریکا به اجرا درآمد که رشد اقتصادی را بدون توجه به عدالت در دستور کار خود قرار داد. در اقتصاد پیشرفته آمریکا بالاترین تولید سرانه ۴۰ هزار دلار، باعث شد که در این کشور حدود ۲/۵ میلیون نفر کار تن خواب شوند و حدود یک میلیون نفر آنها کهنه سربازان این کشورند که در ویتنام، افغانستان، عراق و... در راستای منافع این سرمایه جنگیده بودند. در آمریکا حدود ۳ میلیون نفر زندانی هستند که بز هکاری آنها، ریشه در فقر اقتصادی و سیاست های نئولیبرالیسم دارد. ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقرند و آقاسی او یا ماهنوز با مقاومت کنگره نتوانسته لایحه خدمات درمانی این اقشار را به تصویب برساند.

الگوی سوم توسعه در غرب، سوسیال دموکراسی اروپایی است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به ابتکار «برنشتاین» و دیگران مطرح شد. او توانست موج سوسیالیسم خواهی نیمه دوم قرن نوزدهم در اروپا را به جای انقلاب مروش لنینیسم به تفسیر تدریجی بارویکرد عدالتخواهانه تئوریزه کند و احزاب قدرتمندی در بیشتر کشورهای پیشرفته اروپایی با نام سوسیال دموکرات تشکیل شدند و از حقوق کارگران و کم درآمدها دفاع کردند و شرایط را در این کشورها متعادل تر ساختند. پیشرفته ترین عملکرد سوسیال دموکرات ها در کشورهای اسکانندیناوی، بویژه سوئد به منصف ظهور رسید که حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص ملی خود را صرف تأمین اجتماعی می کند. در این کشور، زندگی راحت، متعادل و کاملاً کم تنش است، آزادی و عدالت به یک تعادل منطقی رسیده اند. در این کشور که سوسیال دموکرات ها ۵۰ سال در آن حکومت کرده اند، هیچ کس نگران تأمین مواهب مادی خود (مسکن، تغذیه، بهداشت، درمان، شغل، آموزش و...) نیست. در این کشور سکولار و آزاد، یک حزب کوچک «سوسیال-دموکرات مسیحی» برای تبلیغ ارزش های اخلاهی مذهبی تشکیل شده که گاهی ۴۰ درصد نمایندگان مجلس را به خود اختصاص می دهد. کشورهای سوئد، دانمارک و نروژ در یک تجربه عملی و با

کار کارشناسی بارویکرد سوسیال دموکراسی توانستند کشورهای عقب مانده خود در ۱۰۰ سال گذشته را به کشورهای پیشرفته ای در توسعه انسانی تبدیل کنند. همان طور که گفته شد در بحث های نظری سازمان ملل متحد و روشنفکران جهان سوم (امریکای لاتین و هند) معیارها و شاخص های جدیدی برای توسعه مطرح شد که مفهوم توسعه رانخت گسترش داد و دوم، هماهنگی و همزمانی آن را تأکید کرد. در اینجا لازم می دانم که مفاهیم توسعه جامع را تعریف کنم:

الف. توسعه اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص ملی، استفاده بهینه از امکانات طبیعی، فیزیکی و انسانی. برای انجام توسعه چهار عامل باید متمرکز شود: این چهار عامل عبارتند از: اطلاعات، مدیریت، سرمایه و نیروی انسانی. محور این چهار عامل نیروی انسانی است. توسعه خام فروشی (نفت خام، گاز، مواد اولیه پتروشیمی، مواد معدنی، مواد اولیه کشاورزی و...) عموماً به معنای توسعه اقتصادی نیست. نگاهی گذرا به کتاب «صادرات و واردات گسرک ایران» نشان می دهد که صادرات عمده؛ نفت و هیدروکربورها و مواد اولیه پتروشیمیایی است و واردات؛ کالاهای پیچیده و مصرفی شیمیایی و پتروشیمی و باضریب چندین برابر قیمت صادراتی. توسعه اقتصادی به معنای ملی کردن اقتصاد است، یعنی بخش خصوصی فعال، خلاق و کارآفرین باید عرصه های برای فعالیت

رابطه دیالکتیکی و ارگانیک بین وجوه مختلف توسعه باید وجود داشته باشد وگرنه آن را شکننده و ناپایدار می کند. توسعه صنعتی شوروی سابق، همانطور که گفته شد شگفت انگیز بود و چون فاقد توسعه سیاسی بود، شکننده شد و با وجود این که ایجاد اشتغال، تأمین بهداشت و تأمین آموزش در شوروی مناسب بود، ولی فقدان توسعه سیاسی، فرهنگی، دموکراسی و... به فروپاشی شوروی انجامید

سالم خود بیاید. در این مقطع زمانی، بورژوازی ملی که ارزش افزوده خود را در صنایع داخلی سرمایه گذاری می کند متحد بلا فصل کارگران و کارچوریان است. بورژوازی ملی که پیوند او با اقتصاد جهانی، جلب و جذب ارزش افزوده از بازار جهانی به بازار داخلی است، موتور قدرتمند توسعه اقتصادی است. هر تولیدی و هر صادراتی که مقید به توسعه و انکشاف ارزش افزوده و هماهنگی با عوامل دیگر توسعه نباشد، توسعه اقتصادی نیست. منافع ملی، مصالح ملی، توسعه و رشد همه جانبه ملی باید در توسعه اقتصادی لحاظ شود.

ب. توسعه سیاسی به معنای دموکراسی همه جانبه، آزادی احزاب، سازمان های سیاسی، فرهنگی، مطبوعات، تجمعات اعتراضی، مذاهب، نهادهای مدنی، سندیکا های کارگری، دهقانی و... است؛ به شکلی که در چارچوب تعریف شده، تمامی افراد جامعه احساس همبستگی و وحدت ملی کنند. وحدت در عین کثرت.

ج. توسعه اجتماعی، به این معنا که روابط اجتماعی، فرهنگ اجتماعی، رفتار آحاد جامعه و... توسعه یابد. در جامعه ای که تقابل قومی، طبقاتی، نژادی، مذهبی و... وجود داشته باشد توسعه اجتماعی دچار بحران جدی است. جامعه باید بتواند در چارچوب وحدت ملی، تفاوت های ظاهری (جنسیتی، قومی، مذهبی، نژادی و...) را اساس حقوق ویژه قرار ندهد. اخلاق اجتماعی، رفتارها و معیارهای فرهنگی است که در یک جامعه متکثر مورد قبول همگان باشد.

د. توسعه حقوقی، اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در این اعلامیه انسان ها افزون بر آزادی اندیشه، عقیده، مذهب و... باید از امکانات مساوی در نقطه شروع هر مرحله از زندگی برخوردار باشند. حق انتخاب شغل، همسر، بهره مندی از آموزش، بهداشت، درمان، سطح زندگی معقول و قابل قبول نیز جزء حقوق اساسی انسان است.

سرفصل شروع مراحل زندگی عبارتند از تولد، آموزش، ازدواج، احراز شغل و... که در آغاز آنها، همه انسان ها باید از امکانات مساوی برخوردار باشند. توسعه حقوقی با وجود یک قوه قضاییه قدرتمند، مستقل، بی طرف و روزآمد مقدور خواهد بود.

ه. توسعه دینی-مذهبی، ادیان و مذاهب قدیمی ترین و تأثیرگذارترین نهاد جامعه مدنی هستند. در سلسله ادیان ابراهیمی که تاریخ آنها روشن تر و مستندتر است، تکامل و توسعه در آنها

مشهور می باشد باید بیشتر جامعه و توسعه همه جانبه، دین و مذهب هم باید با تفاسیر و توجیهات مدرن و جدیدی روبرو شوند. در دین اسلام و خاصه در مذهب تشیع، اصل اجتهاد و مفتوح بودن این اصل باعث شده که مفاهیم مذهبی و دینی مرتباً خود را با تحولات جامعه تطبیق دهند. در جامعه متحول و رو به توسعه امروزی مرتباً پدیده های جدیدی ظاهر می شوند که برداشت متناسب از مذهب نمی تواند مستقل از توسعه همه جانبه جامعه باشد. در دوران ما فتوای مرحوم آیت الله العظمی منتظری نمونه های زنده ای از این برداشت های مترقی و متناسب با اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بسیاری از مشکلات را حل کرده است.

و توسعه تکنولوژی یک، کشوری که وارد کننده همه انواع تکنولوژی باشد، نمی تواند توسعه یابد. ۱۰۰ سال صنعت نفت و ۵۰ سال صنعت پتروشیمی داریم، ولی از نظر تکنولوژی یک در استخراج، اکتشاف، پالایش نفت و در تولید فرآورده های پتروشیمی همچنان وابسته به خارج هستیم. تکنولوژی تولید یک فرآورده پتروشیمی در ۵۰ سال گذشته، مرتباً خریداری شده است. حدود ۴۰ سال است که خودروی سواری تولید می کنیم (البته مونتاژ کاری) و هنوز هم در قطعات حساس و تعیین کننده خودروهایی جدیدی که مونتاژ می کنیم، وابسته ایم. انتظار نیست که هر کشوری در تمام رشته های تکنولوژی، خلاق و تولید کننده باشد، ولی در بعضی از آنها باید تکنولوژی را بومی کند. در ۳۰ سال گذشته چین، هند، کره جنوبی، تایلند، تایوان و... توانسته اند در برخی از رشته های صنعتی و به کمک تحقیق و توسعه، تکنولوژی را بومی کنند. امروز با وارد کردن سیرم گردو، رب گوجه فرنگی و عسل از چین، حتی تکنولوژی های هزار ساله بومی شده ما دچار مشکل شده اند تا چه رسد به واردات کالاهای صنعتی جدید که تعطیلی کارخانجات تولید کننده آنها را داشته ایم.

تکنولوژی، پدیده ای است زنده، دائم تغییر و دائم تکامل که نخست زندگی را راحت تر و دوم، هزینه زندگی را کمتر می کند. فرق هزینه تلفن های اینترنتی و تلفن های سنتی را با هم مقایسه کنید. کاربرد تکنولوژی با خلق تکنولوژی دو امر متفاوت است. صنعت فرش دستباف ما، سابقه موفق چند صد ساله دارد. در شرایط جدید جهانی نتوانسته ایم تکنولوژی تولید رنگ، خامه، بافت و... آن را مدرن کنیم و در عرصه جهانی مقهور چین، پاکستان، هند و... شده ایم.

توسعه سیاسی به معنای دموکراسی همه جانبه، آزادی احزاب، سازمان های سیاسی، فرهنگی، مطبوعات، تجمعات اعتراضی، مذاهب، نهادهای مدنی، سندیکاها، کاریگری، دهقانی و... است؛ به شکلی که در چارچوب تعریف شده، تمامی افراد جامعه احساس همبستگی و وحدت ملی کنند: وحدت در عین کثرت

ژاپن که صنعت پتروشیمی را با ما شروع کرد و تکنولوژی آن را از غرب خرید، هیچ گاه در خرید تکنولوژی قسر ادا داد (کلید در دست) (Turn Key) امضا نکرد و ما برعکس جز قرارداد های کلید در دست، کار دیگری بلد نیستیم. ژاپن پس از ۲۰ سال به قدری در خلق تکنولوژی پتروشیمی رشد کرد که در سال ۱۳۵۴، تکنولوژی پتروشیمی بندر امام را به ما فروخت.

ز- توسعه علمی مقدم بر توسعه تکنولوژیک است. به عبارت دیگر، توسعه علمی شرط لازم توسعه تکنولوژیک است. مراکز علمی (به معنی عام آن) با خلق و کشف علوم جدید، راه تبدیل آن به تکنولوژی را هم پیدا می کنند. سپس در فرآیند توسعه تکنولوژیک، جامعه به رشد و توسعه اقتصادی و... می رسد. در ۲۰ سال اخیر در جامعه ما به اشتباه، چاپ مقاله در نشریه ISI را توسعه علمی می نامند. صرف نظر از تمامی فساداتی که در چاپ مقاله های ISI وجود دارد و حتی سروصدای رئیس فرهنگستان ایران (دکتر داوری اردکانی) را هم در آورد، در این مورد صدها مقاله انتقادی نوشته شده است، نفس چاپ مقاله به معنای توسعه علمی نیست. نقش دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی کشورهای پیشرفته صنعتی، حل مشکلات جامعه آنهاست. برای شناخت هر مشکلی که جامعه دارد، دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی وارد عمل می شوند و سپس مسئولان اجرایی، آن مشکل را رفع می کنند. این درست است که در جامعه ما رابطه دباکلیک و ارگانیک بین مراکز تحقیقاتی و مسئولان اجرایی وجود ندارد، ولی برخی مراکز تحقیقاتی ما هم از رسالت خود شانه خالی می کنند و توفیقی نداشته اند. یک مقایسه بسیار ساده و سهل الحصول، بررسی نقش مراکز تحقیقات صنعت نفت (نام امروز آن

پژوهشگاه صنعت نفت) در ۵۰ سال گذشته است. همان طور که اشاره شد ما در تکنولوژی اکتشاف، استخراج، پالایش و... وابسته هستیم. اگر ۵۰ سال کار پژوهشگاه صنعت نفت که قدیمی ترین مرکز تحقیقاتی کشور است را با مقدار واردات کالا و تکنولوژی مصرفی در این صنعت با هم مقایسه کنیم، به عمق فاجعه ای پی خواهیم برد که در ۵۰ سال گذشته در این مرکز تحقیقاتی و در همه مراکز دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی ما، متراکم شده است. در ۳۰ سال گذشته و در بخش محدودی، تنها در صنایع نظامی، توسعه علمی داشته ایم و در دیگر بخش ها، عمق فاجعه را در مقایسه قیمت و کیفیت کالاهای وارداتی و صادراتی می توان دریافت.

۹- جهان بینی توسعه، یسن جهان بینی، استراتژی ها، تکنیک ها و تاکتیک های توسعه باید تفاوت قائل شد. در جهان بینی، چارچوب اعتقادات خود به توسعه را بیان می کنیم و در استراتژی ها، تکنیک ها و تاکتیک های توسعه، روش، مسیر و ابزار رسیدن به آن جهان بینی را، اولی اعتقادی و دومی روشی و تکنیکی است. اگر در جهان بینی کسی، سود اصل است نه برابری حقوق انسان ها، اهداف توسعه با آن کسی که به گفته آیت الله طالقانی می خواهد توسعه توحید متافیزیکی را به توحید فیزیکی تبدیل کند متفاوت خواهد بود. جهان بینی توسعه، معمولاً از درون مذاهب و مکاتب فکری درمی آید و استراتژی ها، تاکتیک ها و تکنیک ها از علم اقتصاد و علم توسعه و تجربه بشری. هر چند مکاتب اعتقادی و مذاهب، تجربه کلان بشری را هم در خود دارند؛ اگر جهان بینی توسعه این باشد که در کشوری کمترین تنش بین افراد جامعه وجود داشته باشد، از آن کاهش اختلاف طبقاتی، آزادی احزاب و نهادهای مدنی و سندیکاها، صنفی، نتیجه گیری می شود ولی اگر جهان بینی برقیو لاندن زور مدارانه اعتقاد رهبران باشد، زندان، شکنجه، اردو گاه های کار اجباری، داد گاه های شبه قانونی، محاکمات مسکوک و... نتیجه گیری می شود. اگر در جهان بینی توسعه، انسان بالذات کرامت داشته باشد (به گفته آیت الله منتظری) یا به زبان فرهیخته عارفی چون شیخ حسن خرقانی «هر کس نزد خدا به جان ارزده، نزد شیخ حسن به نان ارزده»، این نتیجه می شود که هر کس آمدنانش دهد و از ایامانش مهرسید، ولی اگر جهان بینی این باشد که هر چه من می گویم، خدا گفته است همه دگراندیشان را باید زندان کرد، از کار اخراج نمود، به اردو گاه های کار اجباری فرستاد و...

۱۰. شرایط درونی ملی، توسعه در هر کشوری منحصر به فرست و با شرایط مادی و غیر مادی آن تطبیق داده می شود. تجربه تاریخی نشان می دهد که کشورهای پیشرفته صنعتی غربی از مسیرهای مختلفی توسعه یافته اند. توسعه انگلیس با فرانسه و سوئد متفاوت بوده و پیشرفت های نسبی کشورهای مارکسیستی سابق به این دلیل بوده است که مارکسیسم روسی با مارکسیسم چینی و ویتنامی تفاوت داشته است. توسعه درونزایه مفهوم غیر قابل تقلید بودن فرایند توسعه است. علت عدم موفقیت سه نوع توسعه در ۲۰ سال گذشته در ایران، تقلیدی بودن آنها بوده است. در سال ۱۳۶۸ توسعه اقتصادی با فضای بسته سیاسی در دستور کار مسئولان قرار گرفت و برنامه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به اجرا درآمد و با مقاومت و عملاً شکست رویه رو شد. در سال ۱۳۷۶، توسعه سیاسی به روند پیشین افزوده شد و از عدالت اجتماعی و توجه جدی به اقشار روستایی و کم درآمد، غفلت شد. این هم با مشکل رویه رو شد و بعد آقای احمدی نژاد با الگوبرداری از چین - تعمیم عدالت با فضای بسته سیاسی نوع دیگری از توسعه را در دستور کار خود قرار داد که نتیجه آن رامی بینیم. الگوی درونزا به معنای عدم بهره گیری از تجارب دیگر کشورها نیست، بلکه تعمق در رابطه فرهنگ، تاریخ و مذهب و الگوی توسعه آن کشور است.

۱۱. از قوه به فعل در آوردن تمامی امکانات جامعه، گفتیم که توسعه یک روند دائمی است که با یک جهان بینی، امکانات بالقوه جامعه را به انکشاف و شکوفایی می رساند. در جامعه ما این امکانات عبارتند از:

الف - امکانات طبیعی؛ امکانات طبیعی هر کشوری، آماده ترین امکانات برای توسعه هستند. توسعه صنعت ذغال سنگ در بعضی از کشورهای اروپایی به دلیل منابع عظیم این نعمت خدادادی در آن کشورها بوده است. کشورهای حاشیه اقیانوس ها و دریاهای توسعه حمل و نقل دریایی را شروع کرده اند...

امکانات طبیعی ما عبارتند از منافع عظیم هیدرو کرپوری، آفتاب، آب، خاک، باد، ژئو ترمال، تنوع و تعدد اقلیم ها (اقلیم شناسان می گویند که ایران ۱۲ اقلیم از ۱۵ اقلیم را دارد)، از هیچ یک از این منابع استفاده بهینه نکرده و در از قوه به فعل در آوردن آنها موفق نبوده ایم. منابع هیدرو کرپوری را خام می فروشیم و برای انکشاف، استخراج و پالایش آن نیازمند تکنولوژی خارجی هستیم. در توسعه

آینده ایران باید برای خلق تکنولوژی استخراج حدود ۵۰۰ میلیارد بشکه نفت در جا (Oil in Place) باقی مانده و تبدیل آن به کالای با ارزش، فکری شود. همچنین برای استخراج و تبدیل به احسن گاز طبیعی که معادل ۱۵۰ میلیارد بشکه نفت است نیز باید تدبیری اندیشیده شود.

آفتاب؛ میزان انرژی خورشیدی که در ایران دریافت می شود روزانه برای هر متر مربع به طور متوسط ۴/۳۲ میلیون کالری است و در سطح کشور سالانه حدود ۱۰^{۲۲} ژول یا بیش از ۴ هزار برابر کل انرژی مصرفی کشور است. از این انرژی عظیم استفاده بسیار محدودی در کشاورزی سنتی ایران، آن هم به شکل کاملاً خود به خودی می شود.

آب؛ مسئولان دائماً کمبود نزولات آسمان در فلات ایران سخن می گویند و آن را در مقایسه با مناطق پر آب جهان مانند اروپا، منطقه ای خشک قلمداد می کنند. گرچه این سخن درست است که نزولات آسمانی در ایران بسیار کم است، ولی از مدیریت ضعیف منابع آب و روش های کهنه آبیاری در کشاورزی سخن نمی گویند.

راندان آبیاری در کشور اسرائیل ۹۵ درصد و در کشاورزی ایران به ادعای وزارت کشاورزی ۳۰ درصد به نظر متخصصان مستقل تنها ۱۳ درصد است. این در حالی است که از ۴۰۰ میلیارد متر مکعب نزولات متوسط سالانه تنها ۱۳۰ میلیارد متر مکعب کنترل می شود و ۹۰ درصد این مقدار در کشاورزی، آن هم با راندان پایین یاد شده استفاده می شود.

در ۳۰ سال گذشته چین، هند، کره جنوبی، تایلند، تایوان و... توانسته اند در برخی از رشته های صنعتی و به کمک «تحقیق و توسعه»، تکنولوژی را بومی کنند. امروز با وارد کردن سیر، گردو، رب گوجه فرنگی و عسل از چین، حتی تکنولوژی های هزار ساله بومی شده ما دچار مشکل شده اند تا چه رسد به واردات کالاهای صنعتی جدید که تعطیلی کارخانجات تولید کننده آنها را داشته ایم

خاک؛ از ۵۱ میلیون هکتار زمین قابل کشت، تنها ۱۵ میلیون هکتار - آبی و دیمی - کشت می شود. با استفاده بهینه از آب و توسعه زمین های زیر کشت، چه انقلابی در کشاورزی ما رخ خواهد داد!

تنوع و تعدد اقلیم های ایران باعث می شود که انواع گیاهان در ایران بتوانند رشد کنند، برای نمونه تنها ۲۱۰۰ گونه گیاه دارویی در ایران رشد می کند که با توجه به گرایش علم پزشکی به داروهای گیاهی خود منبع عظیمی از امکانات است.

باد و ژئو ترمال منابع خدادادی دیگری هستند که در توسعه ایران باید مورد توجه قرار گیرند.

ب - امکانات فیزیکی که عبارتند از ماشین آلات، کارخانجات، پل ها، سدها، راه ها و... که استفاده بهینه از آنها توانایی های زیادی را در اختیار می گذارد. برای نمونه استفاده از امکانات دانشگاه های دولتی در اول انقلاب و با دوشیفته کردن آنها، نیازی به ایجاد دانشگاه آزاد و تأسیس این همه امکانات جدید نبود. تمرکز امکانات و نیروی انسانی در دانشگاه های دولتی، شرایط را به مراتب بهتر از امروز می کرد.

ج - امکانات انسانی؛ انسان مجرب و تحصیل کرده، مهمترین امکان توسعه است. طبق گزارش بانک جهانی و تأیید آن توسط اداره گذرنامه در سال های گذشته، سالانه ۱۸۰ هزار تحصیل کرده دانشگاهی از ایران مهاجرت کرده اند. ارزش جهانی این تعداد، حداقل ۹۰ میلیارد دلار می شود. باز نشسته کردن زود هنگام استادان دانشگاه و کارمندان دولت، اخراج و خانه نشین کردن آنها پدیده ای ضد توسعه است.

د - امکانات فرهنگی؛ فرهنگ غنی ایران در ادبیات، موسیقی، عرفان، زبان های مختلف و... منبع عظیم دیگری برای توسعه است. ۱۰۰ میلیون سند تاریخی احصا شده نشان می دهد که ایران یکی از منابع نادر فرهنگی جهان است. این امکانات در ایجاد ارتباط با جهان، جذب توریست و افزایش امنیت ملی تعیین کننده هستند.

ه - امکانات تاریخی؛ میراث فرهنگی، اعم از ساختمان و قطعات، منابع عظیم دیگری برای توسعه این مملکت هستند. ایران جزء ۵ کشور اصلی میراث فرهنگی جهان است که با جذب توریست در آمد هنگفتی می تواند عاید این مملکت کند. با آشنایی با مردم جهان و درک تاریخ و فرهنگ ایران توسط آنها، امنیت ملی ایران افزایش می یابد. آثار تاریخی منقول ایران (عتیقه ها) که متأسفانه شناسایی نشده اند و در صندوق ها و زیر زمین های موزه ها

و قصرها معطل مانده‌اند، خود منبع عظیم کسب درآمد، جذب توریست و توسعه امنیت ملی هستند. یک میلیون بنای تاریخی در ایران وجود دارد که در جهان کم نظیر است.

۱۲- بهروزی و توانمندسازی انسان؛ در مقدمه گفتیم که انسان محور جهان ما و هدف غایی خلقت است. هدف از توسعه، بهروزی و توانمندسازی با رعایت حقوق و مشارکت همه جانبه انسان‌های یک کشور است. گفتیم که حقوق انسان‌ها باید مستقل از عقیده، مذهب، نژاد، قومیت، زبان و جنسیت او باشد. توانمندسازی انسان‌ها، عامل نسبتاً جدیدی است که در امر توسعه کشف شده است. نمی‌توان برای توانمندسازی اقشار فقیر، کم‌سواد یا بی‌سواد و بدون تخصص، برنامه‌ای نداشت و آن گاه از توسعه سخن گفت. گفتیم که هدف از توسعه کاهش تنش و به حداقل رساندن تمایز انسان‌هاست. برای رسیدن به این هدف، حتماً باید توانمندسازی انسان‌های ضعیف (هر ضعیفی) در دستور کار قرار گیرد. سی سال پیش، مردم کشور سوئد، ریشه کنی بی‌سوادی را در کشور خود جشن گرفتند، زیرا آخرین فرد بی‌سوادی آن کشور، در گذشت. آنها سال‌ها پیش ریشه کنی فقر را در کشور خود جشن گرفته بودند. منظور از بیان این مطلب این است که فقر فرهنگی خود عاملی ضد توسعه است که باید برای ریشه کنی آن کوشید.

۱۳- حفظ و ارتقای محیط زیست؛ کره زمین بستر و محیط زیست ماست. یک توسعه پایدار بدون حفظ این محیط مقدور نیست. سرمایه‌داری عجول و آزمند قرن ۱۹ و ۲۰ بدون توجه به محدودیت‌های محیط زیست (کره زمین)، با توسعه عنان گسیخته سعی کرد تا موانع طبیعی را به ثروت ملموس خود تبدیل کند. جنگل‌ها و مراتع را نابود و رودخانه‌ها، دریاچه و دریاها را آلوده کردند. لایه ازن را سوراخ نمودند و هوای شهرها را آلاینده‌ها مسموم کردند. امروز مسلم شده که با این سرعت توسعه، تداوم زیست در کره زمین به خطر افتاده است. کشورهایی که توسعه سبز را انتخاب کرده‌اند، مانند دانمارک، نروژ و سوئد، هر طرح تولیدی (اعم از کشاورزی، صنعتی دامداری و یا شیلات) باید توجه زیست محیطی داشته باشد. متأسفانه در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما، با وجود قانون برای رعایت حفظ محیط زیست با دخالت‌های سیاسی یا فساد مالی یا رفیق‌بازی، این امر رعایت نمی‌شود. نتیجه این روش این است که با ساخت پتروشیمی بندر امام، سالانه ۴۰ تن جیوه

توسعه در هر کشوری منحصر به فرد است و با شرایط مادی و غیرمادی آن تطبیق داده می‌شود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که کشورهای پیشرفته صنعتی غربی از مسیرهای مختلفی توسعه یافته‌اند

کشورهای سوئد، دانمارک و نروژ در یک تجربه عملی و با کار کارشناسی با رویکرد سوسیال-دموکراسی توانستند کشورهای عقب‌مانده خود در ۱۰۰ سال گذشته را به کشورهای پیشرفته‌ای در توسعه انسانی تبدیل کنند

وارد خلیج فارس می‌شود و یا با ساختن سد هایی بدون مطالعه، دریاچه ارومیه رو به خشکی است و با تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و خانگی کشورهای حاشیه دریای خزر، این دریای منحصر به فرد آلوده و در مسیر تخریب است.

۱۴- تعامل با جهان؛ تعامل با جهان خارج باید مثبت و خلاق باشد. در تاریخ بشری ما با دو پدیده «جهانی‌سازی» و «جهانی شدن» روبه‌رو بوده‌ایم. جهانی‌سازی مطلوب امپراتوران جهان بوده است که سعی داشته‌اند، کشورهای کوچک و ضعیف را جزء قلمرو خود کنند. این پدیده در چند قرن اخیر به عنوان استعمار است که همه با آن آشنا هستیم. پس از فروپاشی شوروی، جهانی‌سازی، مفهوم جدیدی پیدا کرد که بسیاری از متفکران آن را معادل «امریکایی‌سازی» هم گفته‌اند. با این فرایند باید مقابله کرد و از امریکایی شدن جهان جلوگیری کرد، ولی پدیده جهانی شدن به این مفهوم است که باید با دنیای خارج در تعامل و میادله کالا، فرهنگ، تکنولوژی و... بود و حتی المقدور کوشید این تعامل خلاق و مثبت باشد، حقوق و امتیازها برابر شود و امکانات و ظرفیت‌ها، توسعه و انکشاف

یابند. ما نتوانسته‌ایم با جهان خارج یک رابطه خلاق و مثبت برقرار کنیم. ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه خود را با راکد گذاشته‌ایم و یا به شکل ابتدایی و خام به تبادل آن با جهان خارج قناعت کرده‌ایم. ظرفیت‌های طبیعی، اقتصادی، انسانی، فرهنگی، تاریخی و... ما باید در این رابطه خلاق و مثبت با جهان خارج بالفعل شوند.

موانع توسعه در ایران را چه می‌دانید؟

□ موانع توسعه ایران را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- عامل ژئوپلیتیک: تردیدی نیست که حمله‌های اسکندر، اعراب، مغول، ایلخانان، افغانه، متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و در نهایت حمله عراق و جنگ تحمیلی در ۱۳۵۹، توسعه ایران را متوقف و برای آن مشکل جدی پدید آوردند. این حمله‌ها به دلیل ضعف، فساد گسترده و ناکارایی حاکمان و شرایط کشور در آن زمان بوده که هم حمله کنندگان را به تجاوز تشویق کرده و هم در عمل ضربه‌ها و لطمه‌های جدی به روند توسعه، تمدن و امکانات مادی و معنوی توسعه وارد کرده‌اند. کارشناسان، موقعیت ژئوپلیتیک ایران را یکی از دلایل حمله به ایران می‌دانند که همیشه متجاوزان را تشویق به حمله و اشغال سهل‌الحصول به دلیل نزدیکی ایران به کشور حمله کننده ایران می‌کرده است. یکی از دلایل موقعیت ژئوپلیتیک و تهاجم متجاوزان، مقایسه ایران با کشورهای مانند چین در آسیا و نروژ در اروپاست که به دلیل در حاشیه بودن این کشورها در نقشه جهان، کمتر مورد تهاجم قرار گرفته‌اند.

۲- عامل طبیعی: ایران کشوری با نزولات آسمانی کم و حیاتی بودن مالکیت آب بوده است. از آنجا که آب و کشاورزی اهمیت فوق‌العاده در ادامه حیات داشته بر سر آب همیشه جنگ و کشتار جاری بوده، از این رو طبق نظر مورخان شیوه تولید آسیایی در آسیا شکل گرفته که به تمرکز استبداد سیاسی و اقتصادی انجامیده است. به هر حال برای تملک آب و زمین و تقسیم آن، نیاز به یک استبداد متمرکز بوده و از این رو این استبداد توانسته تداوم یابد.

۳- عامل سیاسی-اجتماعی؛ استبداد: اگر فرض کنیم که عامل ژئوپلیتیک و عامل طبیعی در گذشته سبب ساز تداوم و استمرار استبداد شده‌اند و در واقع استبداد توانسته ضربه‌ها و لطمه‌های حمله‌های مهاجمان و کمبود آب را تکمیل کند و ادامه دهد، امروز می‌توان به جز حمله عراق که

به دلیل انقلاب ایران بوده است، دیگر حمله‌ها به ایران را عامل استبداد و ناتوانی دستگاه مدیریت و سیاست ایران دانست. به عبارت دیگر اگر استبداد، ابتدا معلول بوده، پس از مدتی خود به علت‌العلل تبدیل شده است. صرف نظر از تهاجم‌های دیگران به ایران، ادامه جنگ‌ها و تهاجم ایران به دیگر کشورها مانند حمله به یونان، مصر، هندوستان و... که مستبدان حاکم ایران در آن نقش داشته‌اند، مزید علت بر سر راه توسعه ایران بوده‌اند. به عبارت دیگر در ۵ هزار سال تاریخ ایران با درجات کم و بیش، عامل استبداد، عامل اصلی درگیری‌های نظامی، استهلاك امکانات مادی و معنوی و سد راه توسعه ایران بوده است. به گفته دکتر کاتوزیان، در ایران و در مواردی تسلسل دائمی، شورش، سرنگونی، استبداد و باز شورش، سرنگونی و استبداد را می‌بینیم.

۴. عامل استعمار: استعمار اروپایی از دوران صفویه و فرستادن برادران شرلی به ایران، عامل مؤثر در تداوم استبداد و عامل بازدارنده توسعه ایران بوده است. ترس کلیسا و پادشاهان اروپایی از قدرت عثمانی، باعث شد که برادران شرلی با مأموریتی از سوی این دو قدرت در دستگاه صفویه نفوذ کنند که جنگ‌های صفویه با عثمانی و شکل گرفتن شیعه صفوی از ثمره‌های آن است. فروپاشی خلافت عثمانی و عقیم گذاشتن تهدید مسلمانان برای اروپا، استراتژی کلیسا و پادشاهان اروپایی بود که با نفوذ در دستگاه صفویه مقدور شد. تبدیل اختلاف عقیده شیعه و سنی به تضاد، تقابل و تخصم، در این استراتژی جایگاه خاصی یافت که موفقیت آمیز بود. این تخصمات و استبداد صفوی توان عثمانی و ایران را آن‌چنان تحلیل برد که دولت ایران با حمله بخشی از زیر مجموعه خود با فاخته - فروپاشید و تهدید عثمانی برای اروپا بسیار کاهش یافت.

بعضی از مورخان را اعتقاد بر این است که حمله نادر شاه به هندوستان با تحریک انگلیسی‌ها کلید خورده تا بعدها استعمار این کشور بزرگ و قدرتمند آسیایی توسط انگلیس مقدور شود و ایران هم قدرت تهدیدی پیدا نکند.

دخالت استعمار در توسعه سیاسی و اقتصادی ایران در دوره قاجار به که باز یک دولت متمرکز تشکیل شد و در قتل قائم مقام و امیر کبیر و بعد در کودتای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ و در تبدیل خوزستان و سیستان به سرزمینی سوخته و جلوه‌گیری از توسعه کشاورزی این دو منطقه مهم، روشن و مبرهن است.

استعمار از تشکیل سلسله قاجار به تافروپاشی پهلوی در تشدید و گسترش استبداد سیاسی ایران نقش تعیین کننده و تشویق کننده حاکمان را داشته است.

۵. فرهنگ و اخلاق ضد توسعه: گفتیم که استبداد در دوران طولانی خود، علت‌العلل توسعه نیافتگی در ایران بوده، طبیعی است که استبداد در پای ایرانی، فرهنگ و اخلاق خود را هم تولید کرده است. این درست نیست که مردم ایران خواهان این فرهنگ و اخلاق هستند، بلکه از اجبار تن به این فرهنگ داده‌اند. به گفته مهندس سبحانی اگر توصیه شده که مال، عقیده و ارتباطات خود را مخفی کنید، ضرورت یک نظام استبدادی است. مصادره اموال، کشتار افراد به خاطر عقیده و کشتار رفقا و دوستان افراد، مگر یک پدیده جاری و ساری در این مملکت نبوده است؟ پس طبیعی است که مردم این مفرقه‌ها را پنهان نگهدارند. در یک جامعه دموکراتیک با مطبوعات و بیسان آزاد اعتقادات، شفافیت و صداقت رشد می‌کند و مخفی کاری به حداقل کاهش می‌یابد.

ترس از مصادره اموال، اموال را به جای به کارگیری در امر توسعه و ایجاد اشتغال، نه تنها در داخل پنهان می‌سازد که آن را برای مخفی کردن ابدی به خارج از کشور منتقل می‌کند. ترس از تهمت، اتهام، زندان، اخراج و... افسردار را کاملاً در پرده‌های از ابهام و ناروشنی استار می‌کند. روحیه نفاق، ذاتی مردم ایران نیست، بلکه معلول علت‌العلل، یعنی استبداد است. پس از استقرار دموکراسی این روحیه به تدریج اصلاح خواهد شد. معمولاً در فضای استبداد، تحجر و تفکر محافظه کاری رشد می‌کند. امروز اگر تفکری متحجر در بخشی از روحانیت سد راه توسعه است، به دلیل فضای بسته طولانی جامعه است.

انسان مجرب و تحصیلکرده، مهمترین امکان توسعه است. طبق گزارش بانک جهانی و تأیید آن توسط اداره گذرنامه در سال‌های گذشته، سالانه ۱۸۰ هزار تحصیلکرده دانشگاهی از ایران مهاجرت کرده‌اند. ارزش جهانی این تعداد، حداقل ۹۰ میلیارد دلار می‌شود

در فضای آزاد که اظهار عقیده، زندان و اتهام و تعقیب به دنبال نداشته باشد، جامعه به تعادل و تفاهم می‌رسد. استبداد، خالق تحجر مذهبی و علمی است. در دوران استالین تدریس اصل عدم قطعیت هایزنبرگ و تئوری نسبیت اینشتین و قوانین توارث مندل در شوروی ممنوع بوده تا تردیدی در فلسفه ماتریالیسم تاریخی ایجاد نکند. حتی مطالعه کتاب‌های کلاسیک مارکس و انگلس برای افراد عادی و دانشگاهی مجاز نبوده است!

سانسور در نظام‌های استبدادی، ابزاری برای سد نوگرایی و نواندیشی است. در چنین شرایطی مردم برای ادامه زندگی مجبور به خلق فرهنگ و خو گرفتن به اخلاقیاتی می‌شوند که بتوانند از تیغ تیز استبداد فرار کنند. برای مبارزه با این فرهنگ و اخلاق باید با استبداد مبارزه کرد. تا استبداد ریشه کن نشود و تنوع و تکثر اعتقادی، قومی، جنسیتی و... مورد قبول واقع نشود، انتظار تغییر این فرهنگ و اخلاقی بی‌مورد است.

۳. کدام یک از موانع تاریخی همچنان مانع توسعه ایران به‌شمار می‌آیند؟

شرایطی آرام و بدون تنش سیاسی و اجتماعی مقدور است. در شرایط کنونی موانع تاریخی توسعه ایران از نظر اهمیت عبارت‌اند از:

۱- دموکراسی؛ با انقلاب و تصویب قانون اساسی به نظر می‌رسد که مادر مسیر توسعه سیاسی - فرهنگی - اقتصادی قرار خواهیم گرفت. تحولات پس از انقلاب از جمله جنگ تحمیلی، تروریسم، کشتارها و درگیری‌های گسترده بعدی و عدم قانونگرایی باعث شدند که دموکراسی در ایران به عنوان یک دستاورد انقلاب دچار مشکل شود. آقای خاتمی سعی کرد که قانون را محور قرار دهد، ولی عملاً با وجود پیشرفت‌هایی چشمگیر، جامعیت قانون پذیرفته نشده، از این رو جامعه ما از استبداد تاریخی ایران هنوز هم رنج می‌برد. آزادی مطبوعات، احزاب، نهاد‌های مدنی، سندیکاها و صنفی و... هنوز در ایران کاملاً پذیرفته نشده و چالش بین حکومت و مردم سر موضوع استقلال و آزادی وجود دارد. هر فعالیت ظاهراً آزادیخواهانه با تهمت جاسوسی و عمال خارجی مورد تهاجم قرار می‌گیرد. هنوز یک وفاق ملی در مورد تعریف آزادی‌ها و استقلال وجود ندارد. کارگزاران سی ساله جمهوری اسلامی به اتهام جاسوس و وابسته خارجی، به زندان می‌افتند! هنوز حوزه آزادی اندیشه از حوزه خیانت و حمایت از استعمار

در ایران تفکیک نشده و تا امنیت اندیشه به رسمیت شناخته نشود، امنیت سرمایه تضمین نخواهد شد و فرار مغزها و سرمایه‌ها به جذب و جلب آنها تبدیل نخواهند شد.

۲- استعمار؛ گرچه با انقلاب، استعمار مستقیم در ایران وجود ندارد، ولی در عمل استعمار توانسته غیرمستقیم، روی رونق توسعه ایران اثر بازدارندگی داشته باشد. جنگ تحمیلی، گروگانگیری، فقدان استراتژی توسعه، فقدان مدیریت جامع و پایدار و تغییر استراتژی، فساد مالی، اداری، شیوه مدیریت، موضوع انرژی هسته‌ای و... از عواملی هستند که استعمار توانسته بر بستر آنها از توسعه ایران جلوگیری کند. مقایسه‌ای ساده بین تحولات ترکیه، چین، هند و... در این سی سال به خوبی نشان می‌دهد که ما نتوانسته‌ایم استعمار را در ایران عقیم کنیم یا دست کم تأثیر گذاری آن را کاهش دهیم.

۳- اخلاق و فرهنگ ضد توسعه؛ با وجود انقلاب و فرهنگ اولیه آن که به نظر می‌رسید به سوی توسعه جهت‌گیری کرده و تشکیل نهادهای انقلابی نیز جهت اجرای طرح‌های توسعه‌ای چنین امید می‌داد، متأسفانه اخلاق و فرهنگ ضد توسعه در ایران بازسازی شد و حتی در مواردی عامل بازدارنده‌ای چون فساد مالی، اداری، تشدید هم شده است. باید توجه داشت که دموکراسی عاملی مهم و تعیین‌کننده است و با تأمین آن عامل خارجی استعمار و عوامل فرهنگی را می‌توان کنترل کرد.

نقش عواملی چون مذهب، شرایط جغرافیایی، استعمار، نفت و فرهنگ ایرانی را در توسعه ایران توضیح دهید.

تدوین اسلام، به‌طور عام و مذهب تشیع، به‌طور خاص، نه تنها مخالف توسعه نیستند که برعکس طرفدار توسعه، نوگرایی و تکامل اجتماعی هستند. قرون اولیه اسلام همراه با توسعه علمی و تکنولوژیکی بوده است. سوء استفاده از اسلام امر تازه‌ای نیست و در ۱۴۰۰ سال گذشته این امر اتفاق افتاده است. باید دین تحریف شده و منحصر و از اصل اسلام جدا کرد.

آنچه امروز در ایران مشکل ساز شده، غالب شدن تفکری از اسلام است که دیگر تفکرات اسلامی را بر نمی‌تابد و برداشت خود را تنها برداشت درست از اسلام می‌داند. این برداشت به دلیل نبود با قدرت و نفوذ توانسته فضای سیاسی فرهنگی جامعه را پلاریزه کند و دیگر برداشت‌ها از اسلام را منزوی و مقید کند. متفکرانی چون آیت‌الله مطهری، آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله طالقانی

هدف از توسعه کاهش تنش و به حداقل رساندن تمایز انسان‌هاست. برای رسیدن به این هدف، حتما باید توانمندسازی انسان‌های ضعیف (هر ضعفی) در دستور کار قرار گیرد

و آیت‌الله منتظری با برداشت‌های مترقی، البته به مراتب مختلف از اسلام به خوبی توانسته‌اند دیگر متفکران جامعه را جذب و جلب کنند. در حالی که ایدئولوگ‌ها آن چنان فضای تفکر و اجتهاد را تنگ کرده‌اند که موجب فرار جوانان از اسلام و مسموم کردن فضای سیاسی فرهنگی جامعه شده و فرار مغزها و سرمایه‌ها، پیامد طبیعی این گونه تفکر بوده که با امر توسعه در تضاد است. شاخص‌های رسمی، جذب سرمایه، شفاف‌سازی اقتصاد، فساد مالی، اداری و... نشان می‌دهند که در ۵ سال گذشته فرایند توسعه در ایران صدمه دیده و به سوی شرایط بحرانی پیش می‌رود. از آنجا که این نوع برداشت از دین و مذهب مستقیماً با توسعه سیاسی، دموکراسی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی ارتباط دارند، تأثیر مخرب خود را در این حیطه نیز به جای گذاشته‌اند. مشکل اصلی و تضاد این برداشت با توسعه در جایی خود را نشان می‌دهد که به دلیل غلبه این تفکر در قسوی اجرایی و قضایی به عملکردهای فیزیکی تبدیل می‌شود و فرایند توسعه را سلب می‌نماید.

شرایط جغرافیایی، چه از منظر کم‌آبی (شیوه تولید آسیایی که مورد توجه گروهی از محققان است) و چه از نظر ژئواستراتژیک با مدیریت کارا و وسعت نظر می‌تواند به خوبی کنترل شود. بارش تکنولوژی و استفاده بهینه از آب و زمین بر این نقیصه می‌تواند فائق آمد و موقعیت ژئواستراتژیک ایران را می‌تواند به مزیت تبدیل کرد و آن را در رابطه با جهان دز امر تولید، تجارت، تورسم و... به موتور توسعه ایران تبدیل کرد.

استعمار، همان‌گونه که گفته شد استعمار امروزه از موضع کلاسیک خود خارج شده و با درایت و مدیریت، مانند کشورهای ترکیه، چین، هند، مالزی و... می‌توان آن را خنثی و کم‌اثر کرد. امروز سد اصلی فرایند توسعه ایران، داخلی است. استعمار تأثیر گذار است، ولی با وحدت ملی، وفاق عینی، ملموس و دموکراتیک نقش استعمار را

می‌توان به حداقل کاهش داد. پیروزی مسلمانان ترکیه و مالزی می‌تواند الگویی برای ما ایرانیان در امر توسعه باشد.

نفت به‌همچون ارث ارزشمندی است که از پدری متمول برای فرزندان باقی مانده است. وارث می‌تواند با این ثروت به دو شکل برخورد کند؛ این ثروت را صرف عیاشی و خوشگذرانی، اعتیاد و... کند یا این که با این ثروت کاری تولیدی ایجاد کند و برای گروهی اشتغال و برای خود ثروت بیشتر به ارمغان آورد. کشور نروژ با نفت خود یک صندوق مستقل از بودجه کشور ایجاد کرده و با یک هیئت امنای مستقل آن را برای نسل‌های آینده نروژ در رشته‌های پر سود سرمایه‌گذاری می‌کند و ما آن را وارد بودجه جاری خود می‌کنیم و با واردات کالاها، مصرفی، خرج می‌کنیم. ما با پول نفت، تولید داخلی، اشتغال داخلی و خلاقیت مردم خود را کاهش می‌دهیم و نروژ برعکس این تغییر نفت نیست؛ بلکه از ضعف مدیریت ماست. امسال ۱۰۲ سال است که صنعت نفت و ۵۰ سال است که صنعت پتروشیمی داریم. وابستگی ما از نظر تکنولوژی، سرمایه، متخصص و مدیریت، محرز است. دکتر محمد مصدق از سلاح تحریم نفت غربی‌ها، رشد و توسعه دیگر بخش‌های اقتصادی - کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت - کشور را رقم زد و برای اولین و آخرین بار برای سه سال تراز بازرگانی را مثبت کرد. آن‌هم بدون صادرات نفت و ما با نفت، دیگر بخش‌های اقتصادی را تحریم می‌کنیم.

نفت عامل بازدارنده نیست، مدیریت ما عامل است. فرق ما و ترکیه چیست؟ ترکیه روزانه ۷۵۰ هزار بشکه نفت وارد می‌کند و ما ۲/۵ میلیون بشکه صادر. رشد اقتصادی ترکیه نزدیک ده درصد است و از آن مادر سال گذشته ۲/۳ و امسال یک و در سال آینده منفی خواهد بود. در بین ۲۰ دانشگاه معروف کشورهای اسلامی، ۱۴ دانشگاه از ترکیه است و ما ۲ دانشگاه داریم. ترکیه تورم خود را کنترل و اشتغال خود را افزایش داده و مسازره در آستانه توریسم هشدار دهنده قرار داریم و اشتغال ما رویه کاهش است.

فرهنگ ایرانی؛ تغییر فرهنگ امری کند و زمان‌بر است. گفتیم که فرهنگ و اخلاق ایرانی یکی از عوامل ضد توسعه است، ولی علت‌العلل ضد توسعه را استنباد دیرپای و طولانی ایرانی دانستیم. اگر این علت‌العلل از بین برود در جامعه شفافیت، صراحت، صداقت و تحمل حاکمان برقرار شود و مردم اطمینان پیدا کنند، به تدریج این

فرهنگ و اخلاق عوض خواهد شد. هند کشوری است که در ۶۰ سال گذشته و پس از استقلال و با درایت و سیره گانندی توانسته به یک فرهنگ سازنده، خلاق و تولیدی روی آورد. پروتستان‌تیسیم غربی توانست بر فرهنگ کلیسایی قرون وسطی حاکم شود و تولید و خلاقیت را به ارمان آورد. رابطه فرهنگ و حاکمیت، رابطه‌ای مستقیم است. با آزادی فکر، مطبوعات، احزاب و سندیکاها و البته تحمل حاکمان، می‌توان فرهنگ‌سازی کرد. فرهنگ‌سازی امرانه در بخش معدودی از جامعه کارساز بوده و در شرایط کنونی تنها با هزینه زیاد و تدارکات امنیتی مقدور است، ولی فرهنگ‌سازی ملی که توسط تمامی اقشار جامعه از جمله حاکمیت انجام می‌شود، تأثیر گذار بوده و مقبولیت ملی خواهد داشت.

فرهنگ‌سازی با شیوه تولید و مصرف رابطه‌ای مستقیم دارد. رئیس‌جمهور نمی‌تواند کفش ایتالیایی بپوشد و آن‌گاه از صنعت کفش ایران حمایت کند. رئیس‌کشور نمی‌تواند برای معالجه خود به کشورهای اروپایی برود و آن‌گاه از پیشرفت پزشکی ایران سخن بگوید. عکس معروف گانندی با بالاته لخت و چرخ نخ‌ریسی، یک عامل عمده فرهنگ‌سازی بوده تا امروز هند صنعت نساجی پیشرفته‌ای داشته باشد و همچنین آتش‌زدن پارچه‌های مرغوب منجستردن خیابان‌های هند. نمی‌توان پلیس تهران را با باگران‌ترین اتومبیل‌های بنز آلمانی مجهز کرد و آن‌گاه از پیشرفت صنعت خودروسازی ایران سخن گفت و بعد اتومبیل‌های بنز آلمانی را به خاطر گرانی قطعات از رده خارج کرد! توزیع عمومی نقدی یارانه، فرهنگ ضد تولیدی و اقتصاد صدقه‌ای است، ولی تقویت عوامل تولید مانند بهداشت، آموزش، پرداخت یارانه به تولیدکننده، توانمندسازی نیروی انسانی و بخش‌های بالقوه توانای اقتصادی - فرهنگ کار و کوشش را رایج می‌کند. درسی سال گذشته، به دلیل عدم توجه همه‌جانبه به امر توسعه، فرهنگ توسعه هم پیشرفتی نداشته، بلکه فرهنگ ضد توسعه ترویج شده است. امروز تکنولوژی ارتباطات می‌تواند فرهنگی را در جامعه اشاعه دهد که مطلوب نباشد. راه در مان، فرهنگ‌سازی قدرتمند در مقابل آن فرهنگ است. نتیجه‌گیری از عملکرد مسئولان فرهنگی درسی سال گذشته و تأکید بر شیخون فرهنگی، ما را به این می‌رساند که در امر فرهنگ‌سازی موفق نبوده‌ایم، پس باید این روش را تغییر داد.

در میان مکاتب اقتصادی و اجتماعی جهان کدام مکتب را به نظرات خود نزدیکتر می‌دانید؟
 □ به گفته دکتر شریعتی، دموکراسی و سوسیالیسم تجربه ارزشمند بشری است. امروز هم در کشورهای سوسیالیست دموکرات غربی چون سوئد، توسعه انسانی تر و معقول تر انجام می‌شود، اما ما باید سوسیالیست دموکراسی خاص ایران را تئوریزه کنیم. به گفته آقای دکتر محمد مهدی جعفری - محقق نهج البلاغه و علی‌شناس - علی بن ابیطالب در ۵ سال حکومت خود یک سوسیالیست دموکرات بوده است. دکتر محمد مصدق در ۲۸ ماه حکومت روش سوسیالیست دموکرات داشته است. البته بدون



ترکیه روزانه ۷۵۰ هزار بشکه نفت وارد می‌کند و ما ۲/۵ میلیون بشکه صادر. رشد اقتصادی ترکیه نزدیک ده درصد است و از آن ما در سال گذشته ۲/۳ و امسال یک و در سال آینده منفی خواهد بود. در بین ۲۰ دانشگاه معروف کشورهای اسلامی، ۱۴ دانشگاه از ترکیه است و ما ۲ دانشگاه داریم. ترکیه تورم خود را کنترل و اشتغال خود را افزایش داده و ما تازه در آستانه تورمی هشدار دهنده قرار داریم و اشتغال ما روبه کاهش است

تبلیغ - و آیت‌الله طالقانی مجتهد و مفسر قرآن که زندان، تبعید، مبارزه، قرآن و تفسیر آن را با هم تجربه کرده، روش و منش سوسیالیست دموکراسی داشته است و از همه مؤخر تر دکتور شریعتی در مقاله معروف خود «عرفان عدالت - آزادی» را به ما توصیه می‌کند. معنای حرف او این است که ما باید به دنبال سوسیالیست دموکراسی بومی خود باشیم. این سوسیالیست دموکراسی نباید با سوسیالیست دموکراسی سکولار غربی اشتباه شود و این سوسیالیست دموکراسی ریشه در مذهب و فرهنگ ایرانی دارد که باید آن را کشف و طرح کنیم. در قانون اساسی مادر اصل سوم، ۱۶ مورد و در فصل سوم، حقوق ملت، اصول ۱۹ تا ۳۹ عموماً در چارچوب سوسیالیست دموکراسی برای ملت حقوق و برای حکومت تمهید ایجاد شده است، اینها را باید زنده و اجرا کنیم. در نوشته‌های فقهایی چون آیت‌الله منتظری، آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله مطهری و آیت‌الله سید محمد باقر صدر هم آثاری از سوسیالیست دموکراسی بومی می‌بینید. امروز تجربه سوئد به طور اخص و عملکرد احزاب سوسیالیست دموکرات غربی به طور عام و احزاب سبز در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که نظام سرمایه‌داری لیبرال در کشورهای پیشرفته صنعتی و سرمایه‌داری استبدادی در کشورهای جهان عقب مانده و دیکتاتوری پرولتاریا در کشورهای سابق شوروی و اروپای شرقی، یا شکست خورده‌اند و یا دچار مشکل جدی شده‌اند و با این رویکردها قابل دوام نخواهند بود. سوسیالیست دموکراسی اسلامی (یا بومی) مامی تواند راه جدیدی باشد.

پی‌نوشت:

- ۱- تبیة الاسه و تزیه الملصه، مقدمه آقای طالقانی، ص ۱۴، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم ۱۳۷۸.
- ۲- ترجمه دکتر محمد علی موحد، مؤسسه مطالعات بین‌المللی اثری، ۱۳۷۳.
- ۳- ISI Institute for Scientific Informaion، مجمع اطلاعات علمی است. این مرکز به نشریاتی در کشورهای جهان عقب مانده هم این عنوان را اعطا کرده و طبق مصوبات وزارت علوم هر کس در این نشریه‌ها مقاله‌ای چاپ کند، امتیاز برای ارتقا کسب می‌کند. در سال‌های گذشته هدف بسیاری از همکاران دانشگاهی، چاپ مقاله در این مجلات بوده و آن را توسعه علمی نامیده‌اند، در حالی که در کشورهای پیشرفته چاپ مقاله در نشریه‌های ISI دلیل توسعه علمی نیست، بلکه عوامل دیگری مانند خلق تکنولوژی، ارجاع به مقالات علمی چاپ شده و کاربردی کردن مقالات علمی هم معیار است، چیزی که در ایران غایب است.